

خطاطی فارسی در شبه‌قاره‌از ۱۱۲۰ تا ۱۲۷۴ ق

محمد عبدالله چغتائی
ترجمه: مریم ناطق شریف

تا سال ۱۷۰۷/۱۱۲۰ چندین خط در خوشنویسی به درجه‌الاولی خود رسیدند و هر خوشنویس با شیوه‌های ویژه خود پیشرفت کرد. از این رو نمونه‌های گرانمایه‌ای از خط‌های کوفی، نسخ، تعلیق، ثلث، شکسته، نستعلیق و دیوانی پدید آمدند و به اقتضای زمانه و محیط در آنها زیبایی تازه‌ای پیدا شد.

از دیدگاه تاریخ، سلسله پادشاهان بابر تا ۱۲۷۴ ق / ۱۸۵۷ م بی‌وقفه ادامه یافت. سپس حکومت بریتانیایی به قدرت رسید و تا ۱۳۲۶ خ حاکم ماند. در این سال پاکستان از هند استقلال یافت. یادآور می‌شویم که رونق و رواج خط اسلامی در شبه‌قاره از دوره سلاطین غزنوی آغاز شد و مرتب و پی‌درپی ادامه یافت. نفوذ و گسترش ادب اسلامی و اصناف مختلف آن در کشورها و شهرهای گوناگون خود حکایتی بلند و دلنشین است. در میان آثار فرهنگی این دوره، کتاب‌هایی با عنوان تذکره خوشنویسان دیده می‌شوند مانند تذکره غلام محمد هفت قلمی. کتاب‌هایی نیز برای آموزش خوشنویسی نوشته شدند. اورنگزیب عالمگیر، هنر خوشنویسی را به طور مستقل و روشمند آموخت و قرآن مجید را در چند نسخه به خط خوش نوشته به حرم نبوی و مکه فرستاد. آموزش خوشنویسی در خاندان شاهی هند به یک سنت تبدیل شده بود.

در دوره اورنگزیب شماری از خوشنویسان شهرت یافتند و معیار این هنر را حفظ کردند و بیشتر آنان در دوره شاه عالم نیز هنرنمایی کردند. از میان این خوشنویسان، میرزا حاتم بیگ در خط دیوانی شکسته مهارت داشت و بیشتر فرمان‌های پادشاه را می‌نوشت. او میرمنشی (سرپرست نویسندگان) دربار شاه عالم و فرخ سیر بود و به روش میرغلام علی خطاطی می‌کرد.

محمد عارف شاگرد عبدالباقی حداد - خوشنویس بلند آوازه ایرانی در دوره اورنگزیب - در روزگار خود شهرت یافت. او روش و معیاری خاص در خط ثلث و نسخ ابداع کرد. محمد عارف در دربار بهادر شاه اول خدمت می‌کرد و به "یاقوت رقم" ملقب شد. او شاگردانی از قبیل محمدافضل، محمد عسکری، میرزا زین‌العابدین و میرزا افضل‌الله (که شهرت بسیار یافتند) پرورد. برادرزاده‌اش، عصمت‌الله خوشنویس برجسته دوره شجاع‌الدوله نیز فنون خوشنویسی را از او آموخت.

حاجی نامدار، خوشنویس پرآوازه از روش آقا عبدالرشید دیلمی پیروی کرد. او خطی دلنشین و زیبا داشت. وی با این که در اواخر دوره اورنگزیب خوشنویس نامدار بود از مشاهیر دوره فرخ سیر دانسته می‌شود.

محمد حفیظ خان (۱۱۹۴ ق / ۱۷۸۰ م) خوشنویس نامدار دوره محمدشاه، انواع خط را می‌دانست و در نسخ و ثلث و نستعلیق چیره‌دست بود. او سرپرست کتابخانه بود، ولی در دوران انقلاب شغل خود را رها کرده، به عبادت و قناعت پرداخت. محمد حفیظ خان قرآن مجید را در چند نسخه مذهب به طرز یاقوت نوشته، به پادشاه تقدیم کرد. او در واپسین روزهای زندگی تنها قرآن را می‌نوشت. وی شاگردانی چون میرابوالحسن معروف به میرکلن، قادربخش، محمداسماعیل، محمدتقی، منشی لجهمن سینگ، لجهمی رام پندت و لاله سیک رام منشی پرورد که در این فن مشهور شدند. منشی لجهمی سینگ، لجهمی رام پندت و لاله سیک رام منشی به ویژه در خط نستعلیق شکسته چیره‌دست شدند.

به نظر می‌رسد که بیشتر خوشنویسان در این دوره به خط شکسته گراییده‌اند. در این دوره اندکی آزادی روش در فنون و هنرها دیده می‌شود. به عبارت دیگر هنرمندان، تا اندازه‌ای شیوه‌های سنتی را رها کرده، تنوع ایجاد کردند. در این مورد مولوی حیات علی، خوشنویس نامدار این دوره قابل ذکر است. چنان‌که مولانا غلام محمد هفت قلمی درباره او می‌گوید: «ذات فیض آیاتش، به حلیه فیض و هنر آراسته و در علم عربی و

فارسی و ترکی بی‌عدیل و در نوشتن خط شکسته و غیره شهرهٔ آفاق است. مولوی حیات علی، مدت هفت سال مشق خوشنویسی کرد تا این که حتی از استاد خود نیز نیکوتر نوشت. او خط شکسته را از پریم ناته و خط نستعلیق را از خلیفه سلطان آموخت. به کوشش او خط شکسته زیباتر شد. برخی از استادان خوشنویس نیز به مقام او نمی‌رسیدند. پریم ناته در حکومت شاه عالم ثانی مقتدر بود، به فارسی و اردو شعر می‌گفت و "آرام" تخلص می‌کرد. قناعت از ویژگی‌های اخلاقی او بود.

میر ابوالحسن معروف به کلن (که در ضمن شاگردان حفیظ خان از او یاد شد) از سادات رضوی و خاندانی بزرگ بود. او در خط نستعلیق از روش آقا رشید دیلمی پیروی می‌کرد. چندی همنشین نواب عبدالاحدخان بود. پس از آن به دربار اکبرشاه ثانی پیوست. میر محمد حسین، فرزند او نیز خوشنویس بود و جانشین پدر شد. میر محمد حسین، در لکهنو، میر منشی (سرپرست نویسندگان) میرزا سلیمان داراشکوه بود. غلام علی خان، خوشنویس نامدار هم دورهٔ او، خوشنویس دربار اکبرشاه ثانی بود. غلام علی خان، خوش سخن، آداب‌دان و در موسیقی نیز چیره‌دست بود. شاه عالم نامه از آثار او است.

کاتب حافظ محمد علی، خط نستعلیق را به پیروی از روش استادان قدیم می‌نوشت. میرزا جوانبخت فنون خوشنویسی را از حافظ محمد علی آموخت. محمد علی فرزند زرین قلم همانند پدر خود در خط نستعلیق به ویژه خط جلی، مهارت داشت. میرزا محمد علی حکاک مَهْرکَن نیز در هنر خود یگانه بود. او بزرگی خوش سخن بود و چهره‌ای نورانی داشت. گاه علاوه بر مَهْرکَنی، قطعات برجسته نیز بیشتر به خط هندی، نسخ، ریحان و ثلث می‌نوشت.

میرزا محمد علی فرزند میرزا خیرالله فرزند لطف‌الله مهندس فرزند احمد معمار شاهجهانی، از یکی از خانواده‌های هنرمند و نامدار بود. غلام محمد هفت قلمی، او را از خویشان عبدالکریم قادری - فرمان‌نویس - می‌نویسد^۲ میرزا محمد علی در خوشنویسی، استاد بود و گویا خط جلی و خفی او جادویی بوده است. او از روش آقا رشید دیلمی پیروی کرد و روزگاری دراز در دربار عمادالملک خدمت کرد. البته در این دوره چندی نیز در فرخ آباد گذراند. او در لکهنو در منزل نواب آصف‌الدوله بهادر با هفت قلمی ملاقات کرد. قاضی نعمت‌الله از شاگردان میرزا محمد علی بود. هفت قلمی می‌گوید: روزی با او ملاقات کردم. او احوال احباب دهلی را پرسید و سپس نمونه‌های قدیم و

جدید خطاطی را به من نشان داد. و این مجلس مدت زیادی ادامه یافت. او نسخه‌ای مطلا و مذهب از گلستان برای وزیر علی خان مهیا کرده بود که هفت قلمی از زیبایی آن به شگفت آمد،^۳ چنانکه می‌گوید: به نظر می‌رسد که همه فنون و ریزه‌کاری‌های خطاطی در این نسخه (گلستان) رعایت شده است. ترکیب و کشش حروف و دوایر کرسی به کلمات زیبایی می‌بخشند.

وزیر علی خان، خط نستعلیق را نزد میرزا محمدعلی فراگرفت. خوشنویسان برجسته‌ای همچون قاضی نعمت‌الله، خلیفه بخش‌الله، میر نثار علی و مقبول نبی خان (فرزند انعام‌الله خان شاعر نامدار) نیز فنون خوشنویسی را از میرزا محمدعلی آموختند. افراد خانواده احمد معمار شاهجهانی در هنرمندی یگانه روزگار خود بودند. محمد افضل‌الحسینی خوشنویس، استاد خطاطی بود. خط او شباهت بسیار به خط جواهر رقم و هدایت‌الله زرین رقم دارد. او نخست در دربار اعتمادالدوله قمرالدین خدمت می‌کرد و سپس استاد میر منو شد. او قطعه‌هایی به خط خفی و جلی نوشت. محمد افضل القریشی بیشتر از روش رشید دیلمی پیروی کرد.

محمد افضل قادری لاهوری در دوره محمدشاه، شهرت بسیار یافته به "آقای ثانی" ملقب گردید. محمد مقیم، دانشمند دینی و خوشنویس همدوره آقای ثانی، از روش میر عماد پیروی کرد. محمد مقیم در مسجد جامع دهلی مسکن می‌گزید.

میر محمد موسی از سادات سرهند بود. او در دربار محمد شاه خوشنویسی می‌کرد. میر محمد عطا حسین خان متخلص به "تحسین" و ملقب به "مرصع" در طغرانویسی مهارت داشت. پدرش محمدباقر شوق دانشمند بزرگی بود. میر محمد عطا، قصه چهار درویش را برای شجاع‌الدوله، به زبان ریخته هندی^۴ ترجمه کرد. او بیشتر نستعلیق می‌نوشت. و چندی در دربار ابوالمنصور خان صفدر جنگ خدمت کرد. سید اعجاز رقم خان خوشنویس روشن قلم همدوره میر محمد عطا بود. خوشنویسان بسیاری به نام نورالله در این دوره دیده می‌شوند که در این گفتار به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

بر طاق‌های ایوان مسجد شاهی دهلی کتیبه‌هایی وجود دارند که زیر آنها نام "نورالله احمد" آمده است. این کتیبه‌ها نمونه‌های هنرنمایی نورالله پسر احمد معمار (شاهجهانی) هستند.

شیخ نورالله از دیگر خوشنویسان این دوره است. او فنون خطاطی را از عبدالرحیم آموخت. یکی از شاگردان او حافظ نورالله نام دارد. حافظ نورالله از خوشنویسان فروتن

و متواضع این دوره است. غلام محمد هفت قلمی در دوره نواب آصف الدوله و پس از هنگامه غلام قادر روهیله، او را در لکهنو ملاقات کرد. حافظ نورالله نمونه‌هایی از خط خود را نیز به هفت قلمی نشان داد. حافظ نورالله در آن زمان به فرمان آصف الدوله بهادر هفت بند اثر ملامحسن کاشی را درست مانند خط رشید دیلمی کتابت می‌کرد. در این ملاقات بسی احوال شاهجهان آباد و خوشنویسان آن جا از قبیل حفیظ خان، میرکلن، حکیم میرمحمد حسین بیان شد. حافظ نورالله از هفت قلمی پرسید که آیا نمونه‌ای از خط آقارشید دیلمی را همراه خود به لکهنو آورده است؟ بار دیگر که هفت قلمی به دیدن حافظ نورالله رفت نثر لقمان حکیم را (که به خط آقارشید دیلمی بود) همراه برد. حافظ نورالله از خط آن بهره بسیار جست چنان که تا ظهر آن روز خط آقارشید دیلمی را می‌نگریست. لاله سرب سینگ و وجیه الله شاگردان حافظ نورالله نیز در آن دیدار حضور داشتند حافظ خورشید، برادر حافظ نورالله نیز در لکهنو، با هفت قلمی ملاقات کرده بود.

خلیفه سلطان فنون خطاطی را از حافظ نورالله آموخت. خلیفه سلطان مدتی در مسجد لطف‌الله خان صادق (دهلی) مسکن گزید و سپس به علیگره رفت. سلسله استادان او به شاه اعزالدین و محمد عابد می‌رسد. خلیفه سلطان و سلسله استادانش، از روش رشید دیلمی پیروی می‌کردند.

هفت قلمی، در تذکره خوشنویسان، از برخی خطاطان دیگر این دوره نیز یاد می‌کند. این خطاطان عبارتند از:

۱. حافظ عبدالعلی فرزند محمدعلی که در بنارس می‌زیست.
۲. حافظ ابراهیم (که از نوادگان خوشنویسان نامدار بود) و فرزندان او؛
۳. حافظ بقاءالله،
۴. مولوی محمد خلیل.
۵. حکیم میرمحمد حسین که خط نسخ را از قاضی عصمت‌الله آموخت و بیشتر قرآن مجید را به خط خوش می‌نوشت.
۶. مولانا فخرالدین فرزند مولانا نظام‌الحق که از بزرگان چشتیه در دهلی بود و در ۱۱۹۹ ق / ۱۷۸۴ م درگذشت.
۷. میر رضوی فرزند صاحب میر که افزون بر خوشنویسی، نقاشی نیز می‌کرد.
۸. آقا میرزا که فنون خوشنویسی را از سید امیر رضوی فراگرفت.

۹. میرزا عبداللہ بیگ کہ شاگرد سید امیر رضوی بود.
۱۰. مولائی کہ استاد مرشدزادہ میرمعظم بخت بہادر بود.
۱۱. محمدجان فرزند محمد عاشوری کہ از شاگردان میرکلن بود.
۱۲. بدرالدین علی خان ملقب بہ "مرصع رقم" کہ ہر نوع خط را می نوشت.
۱۳. خواجہ غلام نقشبندخان فرزند خواجہ یوسف.
۱۴. میرسوز (محمد میر متخلص بہ سوز).
۱۵. عمادالملک غازی الدین خان.
۱۶. میرزا ارجمند.

باید یادآور شویم کہ علم و فن در جامعہ شبہ قارہ بہ صورت خاندانی ارتقا یافت. خانوادہ از یک جنبہ امتیاز می یافت و افراد خانوادہ برای پیشبرد و ارتقای آن می کوشیدند. مثلاً در احوال خوشنویسانی کہ در بالا از آنان یاد شد، می خوانیم کہ بہ پیروی از آقا عبدالرشید دیلمی خط نستعلیق نوشتند. این گونه این خانوادہ ہا یا اشخاص، خود در خوشنویسی بہ مقامی می رسیدند کہ خط آنان مورد استناد قرار می گرفت. جعفرخان، معروف بہ کفایت خان، خط شکستہ را احیا کرد. و پسرش عبداللہ با پیروی از روش او، آن را حفظ کرد و بہ درایت خان ملقب گردید. بہ همین نسبت خط شکستہ کفایت خان بہ "خط کفایت خانی" مشہور شد. همچنین خط پسرش درایت خان، "خط درایت خانی" نامیدہ شد. محمداکبر (اکبر علی)، محمد موسی و لعل خان فرزندان او نیز از سنن خطاطی پدر بزرگ خود پیروی کردند. ہمہ افراد این خانوادہ، در خوشنویسی این شیوہ را بہ کار گرفته اند.

خوشنویسان قرآن (بہ ویژه بہ زبان عربی) چون بیشتر بہ خط نسخ می نوشتند، بہ "نسخ" مشہور شدند. رسالہ اصول النسخ اثر مولوی محمدحامد علی مرصع رقم نسخ ابن مولانا شیخ محمدعلی محدث لکھنوی در ۱۳۳۶ ق/ ۱۹۱۷ ق در چاپخانہ الناظر لکھنو چاپ شد. محمدجان معرفی نامہای بر آن نوشت. نویسندہ در آغاز این کتاب، ضمن بیان سبب تألیف، از نسخ نگاران دورہ متأخر لکھنو یاد می کند. او می گوید کہ در دورہ اورنگزیب عالمگیر، محمد عارف ملقب بہ یاقوت رقم ثانی در خط یاقوت مستعصمی تغییرات و اصلاحات فراوان ایجاد کرد. قاضی عصمت اللہ ملقب بہ "یاقوت ثالث" برادرزادہ محمد عارف بود. عبدالہ طباطبائی شاگرد قاضی عصمت اللہ بود. سپس

علی اکبر و علی امیر، فرزندان عبدالله طبایح، خط نسخ را از پدر آموختند. از میان شاگردان آنان شاه غلامعلی خلیفه حضرت حاجی محمدتقی مهنوی، نسخ نگاری چیره دست بود. پس از شاه غلامعلی، فرزندانش میراکبرعلی و میرکبیرعلی مشهور شدند. پس از آنها شاه غلامعلی درویش مشرب نسخ نگاری کرد. در میان معاصران او نواب احمدقلی خان معروف به میرزایی استادی چیره دست بود. سپس میربنده علی مرتعش نواده احمدقلی خان، نسخ برجسته ای شد. میربنده علی مرتعش در صد سالگی در ۱۲۸۳ ق / ۱۸۶۶ م درگذشت.

آغامحمد، محمد میرزا و مولوی محمد مهدی فنون خوشنویسی را از میربنده علی مرتعش آموختند. مولوی محمد یحیی مهاجر مکه معظمه نیز از نساخان نامدار بود. در این دوره هنرمندانی همچون مولوی زکریا و حافظ خورشید، برادر حافظ نورالله نیز هنر می آفریدند. منشی عبدالحی سندیلوی نیز از خوشنویسان نامی بود. میرطفیل احمد بلگرامی شاگرد منشی عبدالحی نیز نسخ نگاری چیره دست بود. میراکبرعلی (از قصبه کالپی) نیز نسخ نگار بود. در این دوره حافظ امیرالدین (۱۲۶۵ ق / ۱۸۴۸ م) در دهلی برای بهادرشاه قرآن می نوشت. افزون بر او، منشی محمد حفیظ، مولوی محمد صالح، منشی محمد جعفر و دیگران نیز قرآن می نوشتند. در پنجاب، نساخان بخش گوجرانواله، ایمن آباد، سودهره، کوت وارث و سبريال مشهور بودند. از میان آنان عبدالرشید، محمدحسین، مولوی عبدالله و پسرش مولوی عنایت الله در این فن از دیگران پیشی گرفتند. مولوی محمد دین کاتب برجسته قرآن بود.

در دهلی، میرعلی پنجه کش و شاگردانش، منشی رحیم الله و منشی رضی الدین در این هنر شهرت بیشتری یافتند. خلاصه، همه این افراد در نوشتن قرآن و رسم الخط عربی مشهور بودند. بهادرشاه ظفر، آخرین تاجدار سلطنت بابری نیز از این لحاظ شایان ذکر است. آثار و کتیبه های او در کتابخانه ها و موزه ها نگهداری می شوند.

در این جا باید یکی از ابداع های ویژه میرعلی پنجه کش را یادآور شویم. میرعلی پنجه کش، از کتھا، مرکب (سیاهی) ساخت. شاگردان او نیز به پیروی از او با همین مرکب نوشتند. این مرکب، در کلمات درخشندگی و برجستگی خاصی پدید می آورد. این درخشانی تحریر از ویژگی های میر پنجه کش و شاگردان اوست، و در دستنوشته های پیش از سده سیزدهم هجری دیده نمی شود. بنابراین این مرکب جدید می تواند ما را به سوی زمان تحریر دستنوشته ها راهنمایی کند. اهل ایران در دوره میر پنجه کش نیز با این مرکب آشنا نبودند.

در این دوره متأخر، در کارهای معمولی روزمره نوعی خط شکسته رایج شد. در این دوره، هنرهای زیبا، به ویژه خوشنویسی از چارچوب اصول و قوانین گذشته، به شکل آزاد درآمد. مردم پایبند سنن قدیم نبودند. این که بیشتر کتاب‌های این دوره به خط شکسته نوشته شده‌اند و برخی از آنها نیز به همین خط چاپ شده‌اند گواه دیگری بر این گفته است. به هر حال خط نستعلیق، به شکل قدیم باقی نماند. ضرورت عام خط دیوانی نیز محرک آن بود. برخی از انشاپردازان هندو نیز در رواج این شیوه نوشتاری مؤثر بودند. بیشتر این انشاپردازان غیرمسلمان، کایسته^۶ بودند. در میان آنان باید به کنول داس، کنور پریم کشور، راثی آنندرام، پندت راجا امیدسینگ، لچهمن سینگ، لاله درگاداس، درگاپرشاد، راثی سده راثی، شکرنوساری، شکرناته، لچهمی نرائن (د: ۱۲۲۸ ق / ۱۸۱۳ م) اشاره کرد.

پس از این تاریخ، هندوستان را از ۱۲۷۴ ق / ۱۸۵۷ م در چنگ انگلیسی‌ها می‌بینیم. در این هنگام چاپ و چاپخانه نیز معمول شده بودند و خوشبختانه زبان فارسی که قرن‌ها زبان رسمی هندوستان بود، تا حدود زیادی رایج ماند در حالی که زبان‌های محلی و قدیمی هندی نیز در حال رشد و گسترش بودند. تأسیس چاپخانه‌ها، تا اندازه‌ای بر کاتبان قدیمی تأثیر گذاشت، ولی کاتبان برجسته‌ای چون میر پنجه کش (در دهلی) و امام وردی خان (در پنجاب) همچنان به کار خود ادامه دادند. رساله پنجه نگارین، از انتشارات سده گذشته چاپخانه ابراهیم در لکهنو است. متأسفانه تاریخ یا مقدمه و دیباچه مستقلی در آن دیده نمی‌شود. ولی برحسب اتفاق، رساله دیگری به نام اعجاز رقم در ۱۳۰۶/۱۹۲۷ چاپ شد که در حقیقت مجموعه خطاطی‌های منشی محمد شمس‌الدین اعجاز هستند چنان که در پایان دیباچه رساله اعجاز رقم آمده است: «رقمه شمس‌الدین اعجاز رقم لکهنوی به عمر هشتاد سالگی، ۱۹۱۵ [میلادی]». این کاتب نامدار که به هنر خدمت بسیار کرد بی‌گمان تا ۱۹۱۵ میلادی زنده بوده است، یعنی حدود یک قرن به هنر و فن کتابت خدمت کرد.

امام وردی (کاتب ایرانی) در دهلی به دنیا آمد. و در لکهنو نزد نواب شیرافکن خان روزگار گذراند. او به موسیقی نیز عشق می‌ورزید. خط جلی فارسی را بسیار زیبا می‌نوشت. بیشتر نمونه‌های خطی او را دیده‌ایم. به ویژه خط نستعلیق را در هر قطعه و اندازه می‌نوشت. او مدتی در لاهور نزد نواب شیخ امام‌الدین خان زندگی کرد. و کتیبه‌های زیبایی برای مسجد او نگاشت. امام وردی در ۱۳۰۱/۱۸۸۳ در لاهور

درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد.

محمد بخشی از همدوره‌های امام وردی بود. او یک نسخه زرانود از کریم اثر سعدی برای رنجیت سینگ نوشت و پاداش گرفت. این خوشنویس معمولاً به‌اصول "الخط صید و المشرق قید" عمل می‌کرد.

در دوره انگلیسی‌ها برای آموزش خوشنویسی در مدرسه‌ها، کتابچه‌های خط نستعلیق برای سه دوره ابتدایی چاپ می‌شد. در لاهور کاتبی به نام «نتهو» در چاپخانه گلاب سینگ برای نوشتن کتابچه‌های درسی استخدام شده بود. نتهو در نستعلیق نویسی یگانه بود. در همین دوره کاتبان قرآن برجسته‌ای نیز وجود داشتند. کاتب محمد قاسم لدهیانوی همیشه قرآن را کتابت می‌کرد. هنگامی که امیر حبیب‌الله حکمران افغانستان در ۱۹۰۷ م به هندوستان رفت قرآنی به خط محمد قاسم به او هدیه شد. محمد قاسم شاگردان بسیار پرورد. فرزند محمد قاسم نیز فنون خوشنویسی را از پدر آموخت.

هر یک از اداره‌های لاهور، کاتبان ویژه خود را داشت. از جمله آنان منشی اسدالله ساکن منطقه اناو (یویی) را باید نام برد. او در ۱۸۹۰ م در لاهور آمد و در همان جا در نودسالگی درگذشت. مرقع چغتائی یعنی چاپ مصور دیوان غالب، تحریر منشی اسدالله است. او سلسله استادان خود را به میرعماد و رشید دیلمی می‌رساند. سمیع‌الله پسر منشی اسدالله نیز خوشنویسی چیره‌دست بود. عبدالمجید پروین رقم نیز در لاهور شهرت فراوان یافت. آثار اقبال با خط او به چاپ رسیده‌اند. حاجی دین محمد کاتب نیز در لاهور مشهور شد. او در خدمت به هنر سفرهای بسیار کرد. شاهکارهای ارزنده و نمونه‌های نستعلیق جلی او بی‌همتا هستند. وی بر یکی از دیوارهای انارکلی، عنوان "کرنال شاپ" را نوشت که حرف "پ" در آن در حدود ده متر و ۶۶ سانتیمتر است. او در نودسالگی در ۱۳۵۰ خ درگذشت.

در اداره‌های لاهور، کاتبان دیگری چون حافظ یوسف، پیر عبدالحمید، عبدالقدوس، علی محمد، منشی عبدالقادر، مولوی شاه دین نیز فعالیت می‌کردند. تاج‌الدین زرین قلم در سراسر هندوستان شهرت یافت. اکنون نیز در لاهور، کاتبان چیره‌دستی چون نفیس رقم، الماس رقم، صوفی خورشید، اقبال فرزند پروین رقم و عبدالواحد هرفن مولا (که در سبک خود بی‌نظیر است) به سر می‌برند.

پاکستان تنها کشوری است که سنت قدیمی خوشنویسی را حفظ کرده است و شاید سبب آن روزنامه‌هایی هستند که هر روزه به زبان اردو و در تعداد بالا چاپ می‌شوند. در

این روزنامه‌ها به اقتضای زمان، چندین خط دیده می‌شود و ابداعاتی خطی نیز در آنها صورت گرفته‌اند. عنوان در این روزنامه‌ها چنان زیبا نوشته می‌شود که انسان دست‌کم یک بار آن را می‌خواند. هر یک از روزنامه‌ها کاتب ویژه‌ای استخدام می‌کند هرچند که امروزه در کشورهای اسلامی دیگر خط کهن کمتر به کار می‌رود.

یادداشت‌ها

۱. هفت قلمی دهلوی، غلام محمد، تذکره خوشنویسان، به کوشش محمد هدایت حسین، کلکته، ۱۹۱۰، ص ۱۱۳.
۲. هفت قلمی دهلوی، غلام محمد، تذکره خوشنویسان، ص ۶۵.
۳. هفت قلمی دهلوی، غلام محمد، تذکره خوشنویسان، ص ۶۶.
۴. ریخته نام قدیمی زبان اردو است. برای اطلاعات بیشتر رکت: سلیم اختر، اردو ادب کی مختصر ترین تاریخ، سنگ میل، لاهور، ۱۹۹۱، ص ۱۶ تا ۱۸.
۵. ماده‌ای سیاه‌رنگ که همراه پان (تملول) معرف می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی